

The transformation and balancing of government-society relations in the rentier countries of the Middle East in the shadow of the new world order; A case study of Iran 1392-1400

Shamsuddin Sadeghi¹

Zanire Nasri²

Mokhtar Zibaei³

Abstract

The political economy of oil is a complex structure that affects the entire life of an oil-rich country, including the nature of the government and its relationship with society, the performance of institutions and the interactions of social forces in the political-economic sphere of society. Based on the study of government-society relations in Iran in the years (1392-1400), the gradual decrease in the global price of oil and the gradual decline in the position of oil in Iran have caused Iran to face national, regional and global challenges of the ruling rentier economy model and the ever-increasing economic demands. social and political forces of social transformation and the gradual reduction of financial ability to respond to the needs of citizens. Therefore, the 11th government and especially the twelfth government has stated its foreign policy based on the balance between the government and the society in accordance with the goals of the above documents, with the aim of joining the new world order and national development and prosperity through constructive and effective relations with the countries of the world. Was. Also, the 11th government took a big step in this way by solving the nuclear issue as a turning point of this period. However, by examining the performance of the 11th and 12th governments, the need to improve effective foreign political relations and use economic strategies to achieve national goals was felt more and more when the 12th government started working at the same time as the year of resistance economy, production and employment. Therefore, the current research, using the descriptive-analytical and library method, aims to investigate the question of the effect of the gradual decline in the price of oil in the world economy on the evolution and balance in the relations between the government and the society of the rentier countries of the Middle East in the shadow of the new world order, especially in Iran between the years (1392-1400)? In this regard, it can be said that Iran in this period, considering the structural developments of the modern international system and facing the pressure caused by the impossibility of continuing the life of the rentier political economy and understanding the requirements of economic and political action in the new global environment Towards changing the procedure and reformulation of the political and economic structures of



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحوّل و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۳۹۲-۱۴۰۰)

2- Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran
(sadeghi1971@gmail.com)

1-PhD student of Political Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran
(zanirenasri@gmail.com)

3- Master of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran
(m.zibaei1400@gmail.com)

the government to a post-war model in general, the transformation of the relationship between the government and society in this country in particular and finally towards the changes and innovations of political, economic, social, cultural, gender and New .communication policies have progressed in the considered time period

Keywords: rentier countries, new world order, 11th and 12th government, state-nation .relations, Iran



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

تحول و ایجاد توازن در روابط دولت و جامعه در کشورهای رانتیر خاورمیانه در سایه نظم نوین جهانی؛ مطالعه موردی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

سید شمس الدین صادقی^۱*

زنیره نصری^۲

مختار زیبایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

چکیده

اقتصاد سیاسی نفت، ساختار پیچیده‌ای است که کل حیات یک کشور نفت خیز اعم از سرشت دولت و رابطه آن با جامعه، عملکرد نهادها و تعاملات نیروهای اجتماعی در سپهر سیاسی - اقتصادی جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. براساس مطالعه روابط دولت و جامعه در ایران سال های (۱۴۰۰-۱۳۹۲)، کاهش تدریجی بهای جهانی نفت و تنزل تدریجی جایگاه نفت در ایران باعث شده که ایران با چالش های ملی، منطقه ای و جهانی الگوی اقتصاد رانتی حاکم و تقاضاهای روزافزون اقتصادی- اجتماعی و سیاسی نیروهای اجتماعی تحول خواه و کاهش تدریجی توان مالی در پاسخگویی به نیازهای شهروندان مواجه شود. بنابراین دولت یازدهم و به ویژه دولت دوازدهم، سیاست خارجی خود را بر اساس توازن و تعادل بین دولت و جامعه مطابق اهداف اسناد بالادستی، با هدف پیوستن به نظم نوین جهانی به توسعه و رفاه ملی از طریق روابط سازنده و مؤثر با کشورهای جهان عنوان کرده بود. هم چنان که دولت یازدهم با حل مسئله هسته‌ای به عنوان نقطه عطف این دوره، گام بلندی را در این راه برداشت. اما با بررسی عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم، ضرورت بهسازی روابط سیاسی خارجی موثر و به کارگیری استراتژی های اقتصادی برای تحقق اهداف کلان ملی در شرایطی که دولت دوازدهم همزمان با سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال آغاز به کار کرد، بیش از پیش احساس می شد. لذا پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و کتابخانه ای در صدد بررسی این سوال است که تنزل تدریجی قیمت نفت در اقتصاد جهانی، چه تأثیری بر تحول و ایجاد توازن در روابط دولت و جامعه کشورهای رانتیر خاورمیانه در سایه نظم نوین جهانی به خصوص در ایران بین سال های (۱۴۰۰-۱۳۹۲) داشته است؟ در این راستا می توان



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

۱- دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

sadeghi1971@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران
zanirenasri@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
m.zibae1400@gmail.com

بیان داشت که ایران در این دوره با توجه به درک تحولات ساختاری نظام نوین بین المللی و در مواجهه با فشار ناشی از عدم امکان ادامه حیات اقتصاد سیاسی رانتهی و درک الزامات کنش اقتصادی و سیاسی و.. در فضای جدید جهانی به سمت تغییر رویه و بازساختارهای سیاسی و اقتصادی دولت به مدلی پسارانتی به طور عام، دگردیسی رابطه دولت و جامعه در این کشور به طور خاص و در نهایت به سمت تغییرات و نوآوری های مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جنسیتی و سیاست های نوین ارتباطی در دوره زمانی مورد نظر پیش رفته است.

کلیدواژه: کشورهای رانتیر، نظم نوین جهانی، دولت یازدهم و دوازدهم، روابط دولت و ملت، ایران.



مقدمه

دیپلماسی اقتصادی راهی موثر در راستای افزایش رشد اقتصادی و مقاوم کردن اقتصاد کشور با توجه به بازگشت تحریم های اقتصادی است. برای رسیدن به چنین هدفی باید ایران اقتصاد قوی و اقتدار ملی داشته باشد. بنابراین دیپلماسی اقتصادی به مفهوم اهمیت یافتن مناسبات اقتصادی در روابط خارجی، یکی از ابزارهای مهم پیشبرد اهداف بلندمدت و راهبردی کشورها برای کمک به تحقق اهداف اقتصادی و در نهایت افزایش رشد و توسعه اقتصادی به حساب می آید. به همین دلیل، اولویت دولت های یازدهم و دوازدهم، دیپلماسی اقتصادی و توجه به همسایگان در برنامه دولت و وزارت امور خارجه بود. تقویت سیاست جهانی در بازارهای بین المللی، باعث افزایش نفوذ ایران در منطقه و تثبیت دامنه نفوذ اقتصادی و تجاری در اقتصاد جهانی می شود. این مهم نیازمند یک سیاست خارجی پویا و تقویت دیپلماسی اقتصادی برای ایران است. در این راستا، توسعه روابط همه جانبه و پایدار با کشورهای جهان، از مهم ترین راهبردها و اولویت های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال های (۱۳۹۲-۱۴۰۰) به شمار می رفت. از طرفی تقویت منافع ملی برای سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه ضروری است. اقتصاد قوی به محیطی امن و با ثبات در پیرامون کشورها وابسته است و امنیت و ثبات منطقه ای نیز نیازمند وجود رشد و رفاه اقتصادی است. بعد از خروج از برجام، فشارهای اقتصادی و سیاسی ایالات متحده آمریکا علیه منافع کشور مشکلات مختلفی را در مقابل ایران به وجود آورد. توجه هرچه بیشتر به اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی اقتصادی با همسایگان با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به چند طریق از بی ثباتی و ناامنی منطقه ای جلوگیری کرد و در نتیجه، موجب رسیدن به امنیت و پایداری نسبی در ایران شد. واگذاری مسئولیت های مربوط به اقتصاد مقاومتی به وزارت امور خارجه، توجه به دیپلماسی اقتصادی بر اساس ظرفیت های داخلی و تعامل در روابط اقتصادی خارجی را در دولت یازدهم و در دولت دوازدهم اهمیتی دوچندان بخشیده بود. تحریم های ایالات متحده آمریکا و فرصت ایجاد شده در تجارت با کشورهای منطقه، اهمیت توجه به گسترش روابط با همسایگان و حضور در بازارهای منطقه را نسبت به



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۳۹۲-۱۴۰۰)

قبل بیشتر کرده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی، ایران ظرفیت بسیار بالایی در دستیابی به بازار کشورهای همسایه را دارد. به همین دلیل، دیپلماسی اقتصادی و توجه به همسایگان هدف برنامه دولت دوازدهم و وزارت امور خارجه است. این راهبرد، نقش موثری در بازدارندگی در برابر منابع بی ثباتی در منطقه و مقابله با آثار تحریم ها خواهد داشت. با این حال، بررسی اسناد نشان می دهد که فاصله زیادی تا دستیابی به نقطه مطلوب این هدف وجود دارد. در این برهه زمانی، با تقویت دیپلماسی اقتصادی با کشورهای جهان از طریق جلوگیری از انزوای ایران به دلیل پرهزینه بودن سیاست های تحریمی و جلوگیری از برگشت پذیری تحریم ها، ایران با چالش های جدی روبرو بود. از طرفی برای عبور از بحران اقتصادی، ایران با استفاده از دیپلماسی اقتصادی، بازار همسایگان می توانست نقش بازارهای بزرگی را برای صادرات محصولات و خدمات ایران ایفا کند. به همین دلیل تحلیل روابط تجاری، سیاسی در راستای افزایش قدرت اقتصادی ایران و ایجاد زیرساخت برای دوره های بعدی، اهمیت زیادی دارد. از طرفی راهبرد نوین سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم، توجه به دیپلماسی اقتصادی و بازارهای جهانی و ارتباطات سیاسی در دوران افزایش تحریم ها و فشارهای اقتصادی بود. لذا پژوهش حاضر با هدف تحول و ایجاد توازن در روابط دولت و جامعه در کشورهای رانتیر خاورمیانه در سایه نظم نوین جهانی انجام شده است.

۱- پیشینه پژوهش

میرزایی (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی رابطه دولت و طبقات اجتماعی بر اساس دولت رانتیر می پردازد. بر اساس نظریه دولت رانتیر هرگاه دولت از رانت یک ماده خام نظیر نفت برخوردار باشد. به لحاظ مالی از جامعه و طبقات مستقل می شود و بر فراز جامعه قرار می گیرد. بر این مبنا نویسنده دو فرضیه را مطرح می کند ۲) اتکا به درآمد نفت به ضعف طبقات اجتماعی منجر می شود. یافته ها و نتایج تحقیق نشان دادند که دولت در کشورهای عربستان و ایران به علت اتکا به درآمدهای نفتی، از طبقات اجتماعی مستقل است. همچنین دولت رانتیر به طبقات اجتماعی فرصت و مجال رشد و قدرت گیری نمی دهد.

عباسی (۱۳۹۳) در تحقیقی به تبیین توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۵۷) می پردازد. توسعه سیاسی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۵۷) روندی هموار و رو به رشدی نداشته، بلکه با فراز و فرود همراه بوده است؛ بنابراین، توسعه سیاسی در به دلیل وجود موانع و چالش هایی مانند ساختار دولت رانتیر و فراز و فرود جامعه مدنی، روندی ناهموار داشته و در ادوار مختلف متناوباً دچار قبض و بسط گردیده است.

باطحی و حیدری (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه نفت و توسعه سیاسی در ایران با رویکرد دولت «رانتیر» پرداخته اند. نتیجه تحقیق به این صورت است: که بررسی الگوها و تجربیات متفاوت از دولت های رانتیر در سطح خاورمیانه مؤید این امر است که این رژیم ها با وجود امواج گسترده دموکراسی نه تنها به آن تن نمی دهند بلکه با آن نیز مبارزه می کنند.

عسکری (۱۳۸۹) در مقاله خود بر آن است تا تأثیر متقابل درآمدهای نفتی، دولت رانتیر و دموکراسی را بررسی کند. نویسنده اشاره می کند که بررسی های پژوهشگران اقتصادی و سیاسی خصوصاً در چند سال اخیر حاکی از آن است که کشورهای در حال توسعه نفت خیز فاقد نهادهای قانونی مقتدر بوده و دارای گروه های ستیزه جو هستند که حاضر به مشارکت و همکاری با یکدیگر نیستند. بنابراین افزایش درآمدهای نفتی بنا بر تجربه تاریخی نه تنها موجب رشد اقتصادی و رفاه عمومی نشده است بلکه بیشتر صرف هزینه های نظامی شده و افزایش کیفیت تسلیحاتی را به دنبال داشته است. این امر به ویژه در مورد کشورهای حاشیه خلیج فارس مشهود می باشد.

خدر ویسی (۱۴۰۰) در مقاله خود تحت عنوان **رابطه بین درآمدهای مالیاتی و میزان استقلال جامعه در مقابل دولت (با تأکید بر دوره پهلوی دوم و ج.ا.ایران)** می پردازد که دولت بعنوان مسئول دریافت عواید و مالیات های جامعه، مطالبات عمومی را سامان می دهد اما این معادله در کشور رانتیر پهلوی دوم به شیوه دیگری بود و بعد از انقلاب علیرغم وابستگی به درآمدهای خدادادی تفاوت های زیادی با دولت پیشین وجود دارد. در نهایت یافته ها حاکی از آن است که دولت ایران با ورود عنصر مهمی به نام نفت از نظر کارکردی منحرف شد و به جای آنکه بعنوان نهادی داور بر فعل و انفعالات بخش خصوصی و بازار نظارت داشته باشد، خود به یک بازیگر قدرتمند اقتصادی تبدیل شد.

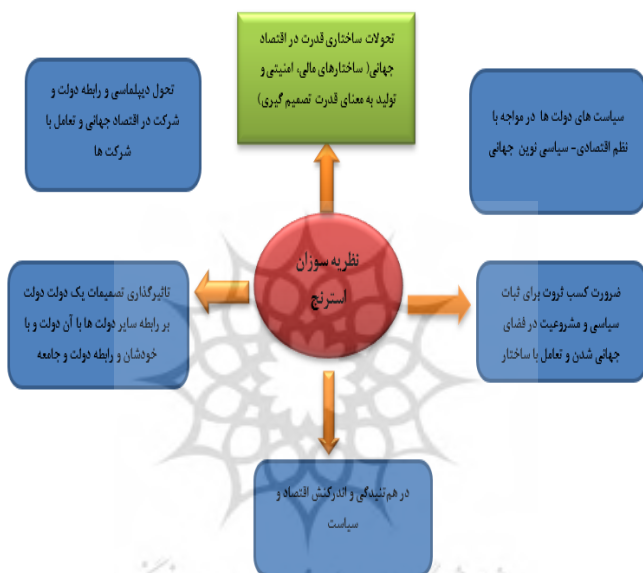
به طور کلی باید گفت تا کنون به طور تخصصی و در قالب تحقیق جامعی به بررسی رابطه دولت و جامعه در کشورهای رانتیر خاورمیانه در سایه نظم نوین جهانی؛ مطالعه موردی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۲) مورد بررسی قرار نگرفته است که در تحقیق حاضر به این مهم پرداخته می شود.

۲-چارچوب نظری

امروزه چنان مسائل اقتصادی و سیاسی در هم تنیده شده اند که مطالعه یکی از این حوزه ها به صورت ناب و بدون توجه به دیگری در عمل امکان پذیر نیست، چنان که برای فهم و تحلیل رفتارهای سیاسی کنش گران در محیط بین المللی ناگزیر از تحلیل های اقتصادی هستیم و عملکردهای اقتصادی

کنشگران را میبایست با رجوع به تعاملات و زمینههای سیاسی دریابیم. از این رو، رهیافت اقتصاد سیاسی بین الملل که حاصل مطالعه در همتندگی و اندرکنش اقتصاد و سیاست است، روز به روز از اقبال گسترده تری در رشته روابط بین الملل برخوردار می گردد (ثانی جوشقانی، ۱۳۸۹: ۹۸). رویکرد اقتصاد سیاسی در مطالعه سیاستهای عمومی دولت (مطالعه اینکه دولت چه کار می کند) مورد استفاده قرار می گیرد. «بدین ترتیب چگونگی شکل گیری و اتخاذ تصمیمات عمومی (دولتی) که به تخصیص منابع درن جامعه منجر می شود و تاثیرات سیاسی که احیاناً این تصمیمات بر جای می گذارند، در حیطه و قلمرو رویکرد اقتصاد سیاسی است. در بسیاری از امور مانند سیاست مالیاتی، سیاست رفاهی و... یک نوع تعامل میان سیاست و اقتصاد دیده می شود. حکومت ها سیاستهایی را در راستای حمایت از اقتصاد خود اعمال می کنند و برای توسعه و تنظیم آن می کوشند، اما در همان حال خود تحت تاثیر عوامل اقتصادی می باشند» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۳). در همین راستا نظریه ساختاری سوزان استرنج به عنوان یکی از رهیافت اقتصاد سیاسی بیان می دارد که همکاری های چند جانبه بین کشورها توسط دگرگونی هایی در عرصه اقتصاد بین الملل تغییر یافته و شکل جدید دیپلماسی را در صحنه بین الملل ایجاد کرده است. به طوری که پیشرفت در تکنولوژی، رشد سرمایه و همچنین کاهش قیمت های حمل و نقل و ارتباطات منجر به افزایش تعداد شرکت ها برای اجرای فعالیت های جهانی شان شده است. این امر رقابت بین و محیط اقتصاد بین الملل عملکرد کشورها را به طور اساسی تغییر داده است و کشورها و ادار به پذیرش واقعیت های جدید شده اند (Frieden & Lake, 2000: 60). سوزان استرنج به عنوان یک اقتصاددان سیاسی بین المللی معتقد است جهانی شدن دربرگیرنده برداشت ها، باورها، عقاید و سلیقه ها است و بر آنها تأثیرگذار است. پذیرش هرچه بیشتر این تحولات و کوشش در راه منتفع شدن و عاملیت در آن از طرف کشورهای جهان سوم، سبب مشارکت این کشورها در امر جهانی شدن و افزایش فرصت های آنها جهت مشارکت و بهره برداری از منافع آن می شود (حمیدی، سرفرازی، ۱۳۹۰: ۱). استرنج معتقد است که تحولات مربوط به جهانی شدن بر گرفته از قدرت ساختاری است. قدرت ساختاری به معنای قدرت تعیین قواعد بازی دیگران و قدرت شکل دهی به انتخاب های سایرین است. به بیان دیگر، قدرت ساختاری به معنای قدرت تصمیم گیری در مورد چگونگی انجام امور است، قدرت شکل دهی به ساختارهایی که روابط دولت ها با یکدیگر، با مردم و یا با شرکت ها در درون آنها صورت می گیرد. به بیان واضح تر، هرچه یکی از طرفین از قابلیت های بیشتری در شکل دهی به ساختارهای احاطه کننده روابط برخوردار باشد، از قدرت نسبی بیشتری برخوردار خواهد بود. در هر صورت مدعای استرنج بر این فرضیات استوار است که کسب ثروت برای ثبات سیاسی و مشروعیت در فضای جهانی شدن مهم است، ثروت در پرتو تعامل با ساختارهای قدرت جهانی به دست آمده و در این زمینه همه دولت ها دارای ظرفیت یکسان نیستند و علت فروپاشی برخی از آنها به خاطر درک نکردن این تحول ساختاری و عدم آمادگی برای بازی

در بستر اقتصاد جهانی است. در چارچوب این رویکرد نیز دستیابی به توسعه و ارتقای توانمندی کشورها در گرو توجه به تحولات ناشی از تغییر در ساختار تولید، ساختار مالی، علم و فناوری و ارتباطات در عصر جهانی شدن و فراگیری قواعد بازی متناسب با الزامات ساختار نوین قدرت و امنیت می باشد (زیبایی، ۱۴۰۱: ۷۲).



شکل ۳-۱: نظریه سوزان استرنج و فرضیات اصلی

در هر صورت باید این مسئله را مد نظر داشت که کسب سهمی متعارف و در خور از فضای جریان ها و مناسبات بین المللی که بیانگر ثروت و قدرت در جهان است؛ جهت تداوم حیات نظام سیاسی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران ضروری است. به نظر می رسد که ایران با فراز و نشیب هایی در طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ این فضای جدید جهانی و تعامل با ساختار قدرت جهانی را به نوعی درک کرده تا خود را خود را در جهت بهره گیری از این فضا بازسازی کرده تا بتوانند تهدید کاهش اهمیت و

قیمت نفت را به فرصت تبدیل کنند و دولت در حال تجربه الگوی جدیدی از رابطه با جامعه و رای مفصل‌بندی رانتیری بود.

۳- دولت رانتیر، وفور درآمدهای نفتی و رابطه دولت و جامعه در ایران

مهمترین ویژگی اقتصادی ایران اتکاء شدید به درآمدهای نفتی است. برای توصیف ساخت اقتصادی چنین دولت‌هایی اندیشمندان حوزه اقتصاد سیاسی از اصطلاح دولت رانتی استفاده می‌کنند. اقتصاد ایران از سال ۱۳۴۲ به تدریج به درآمدهای نفتی وابسته شد و همین امر ساخت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به شدت تحت تاثیر قرار داد. در واقع از این تاریخ به بعد دولت ایران را می‌توان یک دولت رانتیر به حساب آورد و همین خصیصه پس از انقلاب نیز تداوم یافت (میر ترابی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). خصلت رانتی دولت پیامدهایی همچون اینکه در حوزه اقتصادی، رانتریسم، روند طبیعی رشد اقتصادی را به هم می‌ریزد و در این شرایط استعداد های جامعه به جای نوآوری و خلاقیت و فعالیت مولد به سمت کسب درآمدهای آسان رفته و این امر سبب می‌شود که استعدادهای کشور از فعالیت های مفید روی گردانده و به فعالیت های رانتی بپردازد (خضری، ۱۳۸۴: ۱۳). دولت رانتیر، دولت توسعه محور نمی‌باشد و به دلیل استقلال از مردم و وابستگی مردم به دولت، به طور مستقل به عنوان یک کارگزار می‌باشد که این امر به مشکلاتی در اقتصاد می‌انجامد. همچنین حکومت این مجال را می‌یابد که بدون پاسخگویی در برابر مردم به تعقیب سیاست ملی بپردازد؛ این امر به نوبه خود بر ماهیت طبقات اجتماعی جامعه و مشارکت آنان اثر می‌گذارد. رانتریسم همچنین به تضعیف گروه های اجتماعی توسعه گرا منجر می‌شود در اینچنین وضعیتی است که نظامی استیلار و حکمران بر شهروندانی وابسته، به منصفه ظهور می‌رسد (ROSS, 2001: 45-78). از بعد اقتصاد سیاسی نیز این دولت‌ها نهادهای استخراجی ضعیفی دارند که فاقد اطلاعات لازم برای تدوین استراتژی های توسعه است. بنابراین مصرف عادلانه فعلی را بر سیاست های توسعه ای که در عین ایجاد تحول اجتماعی و اقتصادی خطر ایجاد منازعه اجتماعی را در پی دارند (دلفروز، ۱۳۹۸: ۲۳۲). در ایران به طور کلی در دوره پهلوی دوم به دلیل وابستگی شدید دولت به درآمدهای نفتی، عملاً جامعه مدنی نتوانست عرصه مناسبی برای تقویت خود به دست آورد و جامعه را مستعد یک انقلاب توده ای همگیر ساخت؛ چرا که با افزایش درآمد نفت، استقلال عمل حکومت در دهه ۵۰-۱۳۴۰ شمسی رو به افزایش نهاد و حکومت توانست سلطه خود را در راه کنترل و دربرگیری گروه‌های اجتماعی گوناگون بکار گیرد و این طریق برتری و استقلال عمل خود را افزایش دهد (ازغندی، ۱۳۸۴: ۳۴۴). اما با انقلاب اسلامی دولتی بوجود آمد که ماهیتاً با دولت پهلوی تفاوت بسیاری



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

داشت و عواملی چون انقلاب و شرایط ویژه آن، ایدئولوژی مردم‌گرایانه انقلاب و آشوب‌های داخلی، تحریم‌های بین‌المللی و جنگ تحمیلی در کم‌رنگ‌تر کردن وجه رانتیر بودن دولت نقش داشتند. بنابراین با روی کار آمدن دولت یازدهم و انتخاب شعار اعتدال‌گرایی به عنوان گفتمان غالب دولت حوزه سیاست خارجی نیز همچون دیگر حوزه‌های عمل دولت، متأثر از این گفتمان، دستخوش تغییر شد و شاهد بروز گونه متفاوتی از کنش در عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور بودیم. در همین راستا سنت تعامل‌گرایی، چندجانبه‌گرایی، خروج از انزوا، غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، تنش‌زدایی، بهبود روابط با کشورهای همسایه و تقویت روابط سازنده با کشورهای متخاصم، از جمله سمت‌گیری‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی دولت یازدهم شد (محمودی کیا، ۱۳۹۷: ۱۵۱). به نظر می‌رسد این اصول در یک فضای غیر رانتیری به تحول در سیاستگذاری‌های اجتماعی هم‌تزدیک شد که در واقع برداشت‌هایی از مؤلفه‌های سیاستگذاری اجتماعی می‌شود، از سمت تأمین قانونی خدمات اجتماعی فاصله گرفته و به تحلیل‌های کل‌نگر و جامع معیشتی نزدیک شده است. مواردی مانند تلاش برای کاهش فقر، مشارکت اجتماعی، عدالت اجتماعی، حمایت اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی روی می‌آورد. البته تحقق این اهداف نیز مستلزم استقرار دولتی قدرتمند و فعالیت جامعه مدنی، بخش خصوصی و همکاری با نهادهای بین‌المللی توسعه بود. دولت در جایگاه برآیند نیروهای فعال در ساخت قدرت سیاسی، از یک سو متناسب با ویژگی‌های اجتماعی ساخت قدرت، به سیاست‌های توسعه‌ای ویژه‌ای گرایش داشت و از سوی دیگر، نتایج سیاست‌های توسعه اقتصادی، بر ساخت اجتماعی قدرت سیاسی دولت تأثیر می‌گذاشت و از آن طریق سیاست‌گذاری اجتماعی را دستخوش تغییر می‌کرد (ر.ک. الهامی، ریاضی، ۱۳۹۹: ۸۷). در قسمت‌های بعدی پژوهش به سیاستگذاری‌های ایران در این دوره بیشتر پرداخته می‌شود.

۴- کاهش تدریجی جایگاه نفت در منظومه قدرت و ثروت جهانی

۴-۱- شکل‌گیری مدارهای جدید ثروت در اقتصاد جهانی در پرتو شاخه‌های نوین تکنولوژی و کاهش تدریجی تقاضا برای نفت در اقتصاد جهانی و در جهان توسعه یافته

فناوری‌های حاصل از وضعیت جدید سرمایه‌داری جهانی از دو طریق امکان عرضه بیشتر نفت و هم‌کاستن از نیاز به نفت، مفهوم اوج نفت را تحت تأثیر قرار دادند؛ چرا که از یک سو توسعه فناوری‌های مربوط به اکتشاف و استخراج نفت، موجب اضافه شدن حجم بسیار وسیعی از منابع نفتی به ذخایر اثبات شده و هم‌هزینه تولید را آنچنان کاهش دادند که ذخایری مانند

نفت شیل در آمریکا که استحصال از آنها برای مدت‌ها غیر اقتصادی شمرده می‌شد، صرفه اقتصادی پیدا کرد. به این ترتیب با گسترش عرضه کنندگان و همچنین فراهم شدن زمینه تولید هر چه بیشتر ناشی از شاخه‌های نوین تکنولوژی، ارزش نفت نسبت به کل ارزش محصولاتی که در جهان تولید می‌شود، روند کاهشی داشته و با وجود رشد این محصول، اما در برابر اقتصاد جهانی این رشد یکسان نبوده و در حالی که تولید ناخالص جهانی از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴، ۴٫۳ برابر شده است، مصرف نفت تنها عدد افزایش ۱٫۶ را نشان می‌دهد. امری که نشان می‌دهد، سهم نفت از اقتصاد جهانی پیوسته کاهش یافته و پیش‌بینی می‌شود بیش از پیش کاهش یابد. کاهش مشارکت انرژی و نفت در اقتصاد جهانی، کاهش سهم نفت در تأمین کل تقاضای انرژی و کاهش اتکای عرضه نفت به یک تولیدکننده خاص به معنای کاهش اهمیت این کالای راهبردی و تضعیف نقش‌آفرینی بین‌المللی هر تولیدکننده نفت است. از طرف دیگر فناوری‌های جدید تبدیل انرژی همواره در حال توسعه بوده و بیش‌ازپیش به کار گرفته شده‌اند. هم‌اکنون بخش قابل‌توجهی از برق موردنیاز کشورهای توسعه‌یافته از منابع هسته‌ای یا تجدیدپذیر تأمین می‌شود. این تنوع فناوری‌ها از وابستگی به یک سوخت خاص کاسته است. به‌نحوی که اگر نفت ۴۶ درصد سبد انرژی مصرفی جهان را در سال ۱۹۷۳ تشکیل می‌داد این سهم در سال ۲۰۱۴ به ۳۱ درصد افت کرده است. به‌علاوه عرضه‌کنندگان نفت نیز تنوع بیشتری یافته‌اند. ایران در سال ۱۹۷۷ بیش از ده درصد نفت دنیا را تولید می‌کرد درحالی‌که اکنون کمتر از پنج درصد مصرف جهانی نفت را تأمین می‌کند. در طی این سال‌ها نقش سازمان کشورهای صادرکننده نفت از نظر سهم عرضه نفت تضعیف شده و در مقابل عرضه‌کنندگان تازه‌ای وارد بازار جهانی شده‌اند (ر.ک. شالباف، ۱۳۹۵: ۲).

۲-۴- شوک‌های نفتی

شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳ م و جنگ بین اعراب و اسرائیل اکتبر ۱۹۷۳ م، زمینه‌ی سیاسی بسیار مناسبی برای کشورهای عربی تولیدکننده‌ی نفت، فراهم آورد تا از نفت به‌عنوان سلاح سیاسی علیه کشورهای اروپایی و ایالات متحده‌ی آمریکا استفاده کنند. شوک دوم نفتی در سال ۱۹۷۹ م، به دلیل کاهش تولید نفت ایران و به‌دنبال آن قطع صادرات ایران، جهان صنعتی را با حادثه‌ای پیش‌بینی نشده مواجه نمود. کشورهای عضو اوپک موفق به افزایش سریع نفت خام در نوبت‌های مختلف شدند که منجر به شوک دوم نفتی شد. شوک سوم نفتی در سال ۱۹۸۶ م رخ داد و برعکس دو شوک نفتی اول و دوم، قیمت نفت رو به کاهش نهاد. در مقابل افزایش شدید قیمت‌های نفت خام در سال ۱۹۷۹ م و ۱۹۸۰ م، موجب گردید که کشورهای صنعتی صرفه‌جویی بیشتر در مصرف نفت در تکانه چهارم در پیش گیرند و با جایگزین ساختن

سایر منابع انرژی به جای نفت اقدامات موثری به عمل آورند (امینی، ۱۹۹۱: ۱۵۲). تکانه چهارم نفتی نیز در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد که شامل بحران مالی و اقتصادی جهان و نیز پدیده اوج تولید نفت می باشد. در این تکانه ابتدا افزایش قیمت از صد لار به ۱۴۱ دلار رسید پس از آن به ۳۷ دلار در هربشکه تنزل پیدا نمود. در تکانه پنجم این تنش قیمتی در سال ۲۰۲۰ بخاطر جنگ تجاری چین و امریکا، شیوع بیماری کرونا و افت تقاضای جهانی به میزان ۳۰ میلیون بشکه اتفاق افتاد بر این اساس قیمت هر بشکه از ۷۰ دلار به ۲۵ دلار تنزل پیدا نمود. پیش گیرند و با جایگزین ساختن سایر منابع انرژی به جای نفت اقدامات موثری به عمل آورند. به طور کلی می توان گفت علت سیر نزولی قیمت و نیز کاهش تقاضا صرفه جویی در مصرف نفت و جایگزین کردن منابع دیگر از آن بود. در هر صورت در نتیجه گیری از شوکهای نفتی می توان عنوان نمود در اثر کاربرد نفت به عنوان سلاح در دست اعراب، غرب به تدریج بی اعتماد شد و زمینه کنترل تقاضا را فراهم کرد. از طرفی این شوک ها در سطح داخلی باعث ثروتمند شدن دول نفت خیز و دگردیسی رابطه دولت و جامعه شد.

۴-۳- شکل گیری پارادوکس رشد انتظارات عمومی و کاهش توان دولت در دولت های نفت خیز

خدمات اجتماعی در کشورهای در حال توسعه غنی از نفت اغلب ناقص هستند و نمی توانند به آسیب پذیرترین جمعیت ها پاسخ دهند. نفت بویژه به کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت در زمانی که صنعت سوخت های فسیلی با روند نزولی ساختاری مواجه است، به شدت ضربه می زند. کشورهای در حال توسعه تولیدکننده نفت، که اقتصادهای غیرمتنوع و وابسته به این بخش هستند و نفت بخش عمده ای از صادرات و درآمدهای دولتی آنها را تشکیل می دهد، کاهش قیمت در زمانی که پول بیشتری برای تأمین مالی ارائه خدمات، کاهش خطرات سلامتی و کاهش فشار اقتصاد کلان مورد نیاز است، توانایی این کشورها را برای پاسخگویی به فشارهای داخلی چند بعدی محدود می کند. بحرانی که انگیزه های جدیدی را ارائه می کند و به تلاش های کشورها برای توقف یا معکوس کردن یارانه های پرهزینه سوخت برای آزاد کردن فضای مالی و جلوگیری از آلودگی و تنوع بخشیدن به صنایع کم مصرف کربن فوریت می بخشد. کاهش ساختاری تقاضا برای نفت می تواند راضی نگه داشتن حوزه های رقابتی را برای تصمیم گیرندگان این کشورها دشوارتر کند و خطرات ناآرامی های داخلی و بی ثباتی را افزایش دهد. چرا که اگر رانت نفت قطع شود، ناآرامی ها و درگیری های اجتماعی می تواند در نتیجه شکست ترتیبات تقسیم قدرت سیاسی ایجاد شود. در کنار چالش های اشاره شده، بسیاری از کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به دلیل



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

افزایش نااطمینانی اقتصادی و خطرات ناشی از تحولات سیاسی، شدت خروج سرمایه را تجربه می‌کنند. کاهش بلندمدت تولید ناخالص داخلی با توجه به این که قیمت نفت ممکن است هرگز به طور کامل بهبود نیابد و همچنین امکان اتمام ذخایر نفتی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه تولیدکننده نفت را با آینده‌ای نامطمئن روبرو کرده و وابستگی بالای به منابع نفتی آنها را در معرض نوسانات قابل توجه بازار و خطرات آب و هوایی و همچنین شرایط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی شکننده قرار می‌دهد (Anderson, 2020:8).

۴-۴- بحران تضعیف موقعیت کشورهای عضو اوپک و تضعیف اوپک

هرچند که در طول زمان با ایجاد شرکت های نفتی کوچک تر سهم اوپک در بازار جهانی نفت کاهش یافته است ولی هنوز اوپک سهم عمده ای در این بازار دارد. ایران دومین تولیدکننده نفت اوپک است. با توجه به اقتصاد نفتی کشور، قیمت نفت و درآمدهای حاصل از آن حائز اهمیت است. بنابراین بررسی تغییرات قیمت و تصمیمات اوپک به دلیل عملکرد ایران در چهارچوب سهمیه بندیهای اوپک از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قیمت سبد نفتی اوپک از ۹۲ دلار به ازای هر بشکه در آغاز سال ۲۰۰۸ در ژانویه به ۱۴۱ دلار رسید و در پایان سال به ۳۳ دلار (کمترین مقدار از تابستان ۲۰۰۴) کاهش یافت. تقاضای نفت در سال ۲۰۰۸، ۰/۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. البته اوپک در مقابل این کاهش قیمت ها بیکار ننشست و در اجلاس الجزایر در دسامبر ۲۰۰۸ تلاش کرد عرضه نفت خود را نسبت به سپتامبر ۲۰۰۸، ۴/۲ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. طبیعتاً این کاهش قیمت ها باعث تغییرات گسترده ای در شاخص های اقتصاد کلان کشورهای عضو اوپک گردید. از آنجا که بیشتر اعضای اوپک، کشورهای در حال توسعه هستند و اقتصاد آنها وابسته به نفت است، تغییرات قیمت نفت، اقتصاد این کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار داد (جمالی، موسوی، امینی فرد: ۱۳۹۸: ۲۶).

۵- سیاست های ایران در مواجهه با نظم اقتصادی سیاسی نوین جهانی

نگرش جمهوری اسلامی ایران به خاطر ماهیت انقلابی و اسلامی آن متفاوت از نگرش عملگرایانه سایر کشورها به نظم بینالمللی است. چون اساساً نظام سیاسی حاکم و اولویتهای کشورها متفاوت از هم است. تعریف اهداف فراملی در کنار اهداف ملی و نقش تأثیرگذار آنها در سیاست خارجی ایران به آن ماهیتی تجدیدنظر طلبانه انقلابی بخشیده است (فرهادی و شامیری، ۱۴۰۰: ۱۷). هر چند در کلیت امر، نگرش و رویکرد دولتهای مختلف در جمهوری اسلامی



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

حکایت از مخالفت با نظم موجود بینالمللی و مقاومت در برابر یک جانیهگرایی و هژمونیکخواهی ایالات متحده دارد، اما این مخالفت در دولت های مختلف به یک میزان نبوده است و از شدت و دامنه متفاوتی برخوردار بوده است، مقایسه سیاست خارجی دولت احمدی نژاد و روحانی این تفاوت را به خوبی به تصویر میکشد (عیوضی و نوازی، ۱۳۹۳: ۱۵). در اوایل انقلاب و در دولت نهم و دهم (دولت احمدی نژاد) اهداف فراملی در سیاستگذاری خارجی از اولویت خاصی برخوردار بود. مبارزه با نظام سلطه، استکبار و نظم آمریکایی در صدر اولویتهای قرار می گیرد. در واقع، در این دوره رویکرد ایران نسبت به نظام بینالملل و نهادهای آن ماهیت انقلابیتری به خود می گیرد و نظم موجود نظم ناعادلانه و نابرابر تصور میگردد که مستلزم تغییر وضع و نظم موجود در جهت استقرار نظم مطلوب است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۲۰۰). در دوران اصلاحات در توازن بین اهداف ملی و اهداف فراملی کفه ترازو به سمت اهداف ملی سنگینی میکند. در این دوران تلاش میشود تا جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت معقول، متعارف و مسئول مطرح گردد و از طریق تصویرسازی مثبت و واقعی و تعامل گستردهتر با کنشگران دولتی و غیر دولتی روابط خود را با دنیای بیرون و نظام بینالملل تنظیم نماید. به عنوان مثال، در دولت روحانی پیگیری اهداف فراملی با توجه به مصلحت، مقدمات و محذورات ملی اولویتبندی میشود. بر این اساس، دولت سعی دارد تا به دور از هرگونه سیاست تهاجمی و با توجه به اقتضائات و هنجارهای بینالمللی، به صورت تدریجی، نرم و چند جانبهگرایانه اهداف خود را پیگیری نماید. در حقیقت، گفتمان اعتدال (دولت روحانی) به مانند گفتمان عدالت محور (دولت احمدی نژاد) نسبت به ساختار نظام بینالملل و رویههای موجود آن خوشبین نیست و ساختار موجود را ناعادلانه میانگارد. اما در عمل از یک رویکرد تهاجمی اجتناب نموده و قائل به تحول تدریجی نظام بینالملل در چارچوب قواعد و هنجارهای مرسوم است (محمود خانی و کشیشیان، ۱۳۹۵: ۳۰).

آنچه از مطالعه رویکردهای حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی بر میآید این است که سیاست خارجی ایران الگوهای متفاوتی از منازعه تا تعامل را از سر گذرانیده است. در چارچوب گفتمان اصولگرایی ماهیت و هویت اسلامی - انقلابی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف را تعیین و تعریف میکند و منافع و اهداف مبتنی بر این ارزشها، آرمانها و اصول تعریف میگردد؛ اما در دوران اصلاحات و اعتدال، توازن بیشتری بین الزامات داخلی و ملزومات بینالمللی مشاهده میگردد. دولت تلاش میکند تا در چارچوب قواعد و هنجارهای بین المللی اهداف و منافع خود را پیگیری نماید و خود را به معیارها و شاخصهای یک سیاست خارجی تعاملگرا نزدیک

نماید هر چند که نظم موجود - در نظر این گفتمان هم- نظمى ناعادلانه و مبتنى بر سلطه انگاشته مىشود (محمود خانى، كشييان، ۱۳۹۵: ۳۳). هر چند تفاوتهاى در شيوه تعامل دولت هاى ايران با نظم بينالمللى وجود دارد اما در كليت آن همه دولتها (از اوایل تاکنون) نگاه تجديد نظر طلبانه نسبت به نظم بينالمللى دارند. نظم موجود از منظر ايران نظمى سلطهگريانه، غير مشروع و غير طبيعى است كه حقوق اكثر ملتها در آن نادیده انگاشته مىشود (فرهادى و شاميرى، ۱۴۰۰: ۲۰). نظم مطلوب بين المللى براى ايران نظمى چند قطبى است كه كشورهاي بيشترى، خصوصاً كشورهاي جهان سوم در آن سهم و مشاركت بالاترى دارند و از ماهيت دمكراتيك تری برخوردار است. به خاطر بنيادهای تاريخى و ايدئولوژيك، رويكردى سياست خارجى ايران نسبت به قدرتهای نظير ايالات متحده، ويژگى مقابله جويانه و مستقيم به خود گرفته است. اين امر در ابتدای انقلاب اسلامى از شدت بيشترى برخوردار بود و اكثر نهادها و رويپهههاى بينالمللى را در خدمت قدرتهای اصلى تصور مىشد و از مشاركت در اينگونه نهادهای براى پيگيرى اهداف خود اجتناب ميگرديد. هر چند در دوران اصلاحات و اعتدال، نگرش بدبينانه به نهادها و هنجارهای بينالمللى به خاطر اقتضائات داخلى و بينالمللى متفاوت كاهش پيدا كرد، اما به دليل پرننگى ارزشهاى انقلابى و ايدئولوژيك در كليت سياست خارجى جمهورى اسلامى مبانى عملگريانه در بسيارى از موارد نادیده انگاشته شده است (قنبرلو، ۱۳۹۴: ۱۰).

۵-۱- ابزارها و مكانيسم هاى سياست خارجى دولت توسعه گراى روحانى

آقاى روحانى زمانى كه در مورد اصول و محورهای سياست خارجى بحث مى كنند، عملاً آگاهانه اصول سياست خارجى يك دولت توسعه گرا را مطرح مى كنند. با توجه به الزامات و اصول سياست خارجى توسعه گرا (كسب اعتبار در عرصه بين المللى، دورى از درگيرى ها و تنش زدائى، تلاش براى همزيستى مسالمت آميز، اعتمادسازى در عرصه بين المللى، تحول هويتى و اجماع نخبگان)؛ دولت يازدهم و دوازدهم اقداماتى را سرلوحه سياست خارجى توسعه گراى خود كه شامل تلاش براى خروج از محور امنيتى شدن، نگاه متفاوت به موضوع هسته اى (در تعامل و كنار ساير منافع مى نه بر فراز آن ها)، تلاش براى بهبود روابط با امريكا و اروپا، بهبود روابط با كشورهای همسايه و.. قرار داد (رضايى، ترابى، ۱۳۹۲: ۱۵۰-۱۳۴۸). بنا بر اين در اینجا به مكانيسم هاى تغيير و تحول سياست خارجى دولت روحانى در زمينه هاى اقتصادى، سياسى، اجتماعى و ارتباطى در پرتو درك ساختار جديد جهانى مى پردازيم:

۵-۲- احیای جایگاه جهانی و انزواستیزی با محوریت برجام

دولت روحانی راهبرد سیاست خارجی خود را بر مبنای برقراری گفت و گوی مستقیم با آمریکا به جای اتحادیه‌ی اروپا ساماندهی می‌نماید. روحانی براین عقیده بود که «قطعاً دوستی و دشمنی با دنیا دائمی نیست و اگر بتوانیم تهدید را به آسیب و آسیب را به فرصت تبدیل کنیم، این بهترین اقدام است» (فقیه لو: ۱۳۸۹: ۹۳). دولت روحانی با توجه به اینکه معتقد بود پیروزی هیچگاه در سایه انزوا به دست نمی‌آید؛ در تلاش بوده است که تعامل سازنده را به عنوان کانون اعتدال- گرایی در سیاست هسته‌ای ایران تبدیل کند. تعاملی که سازنده، مؤثر، توأم با دیپلماسی و نرمش قهرمانانه، با تعامل در کنار حاکمیت ملی، استقلال و اجرای خواست مردم باشد (میرالی، نویدی نیا، ۱۴۰۰: ۱۶).

۵-۳- تحول ابزارهای دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی

دیپلماسی عمومی به معنای به معنای کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین المللی در سیاست خارجی است و به گونه ای فراگیر شامل دیپلماسی فرهنگی و ارتباطی می شود. دیپلماسی عمومی از ظرفیت ها و مولفه های قدرت نرم استفاده می کند تا اهداف خود را به پیش ببرد که مهمترین هدف آن تاثیرگذاری بر رفتار سایر دولتهاست. جوزف نای نیز سه مولفه اساسی را برای آن بیان می کند که شامل ارتباطات روزانه با مردم، ارتباطات استراتژیک موضوعی و گسترش روابط بلند مدت با افراد کلیدی در کشورهای هدف می شود برخی زیر ساخت ها مانند انقلاب اطلاعات و ارتباطات و به طور کلی آنچه موجب بروز جهانی شدن شده، بستر لازم برای گسترش دیپلماسی عمومی را فراهم کرده و امکان ارتباطات وسیع با مردم دیگر کشورها را فراهم کرده است. تکنولوژی های نوین علاوه بر این دیپلماسی سنتی را هم تحت تاثیر قرار داده، بسیاری از کارویژه های سفارت خانه ها و نمایندگی های رسمی کشورها را تغییر داده و روندهای دیپلماتیک را شتاب بخشیده است. از ابزارهای عمومی دیپلماسی عمومی دولت روحانی می توان به موارد زیر به طور کلی اشاره داشت (میر رکنی بنادکی، ۱۳۹۹: ۵۸-۵۷).



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۳۹۲-۱۴۰۰)

شکل ۱: ابزارهای نوین دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی

دیدار با سران و سفرهای خارجه و تشریح مواضع ایران در عرصه های منطقه ای و بین المللی (اجلاس شانگهای، اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد)؛	بهره گیری از تمام امکانات دیپلماسی مجازی و رسانه ای نوین ؛
دیپلماسی فرهنگی (گسترش همکاری های فرهنگی و آموزشی، پژوهشی در سطح جهان، حکایت از ایجاد انجمن های دوستی فرهنگی، توسعه دیپلماسی مردم محور، افزایش سهم ایران گردی و جنگردی در اقتصاد ملی و...)؛	تأثیر گذاری بر افکار عمومی با درج مقاله در رسانه های مطرح و تاثیر گذار خارجی با تاکید بر تعامل سازنده؛
تقویت تشکل های غیر دولتی و بخش خصوصی برای همکاری با کشورهای اسلامی؛	مصاحبه های متعدد با رسانه ها و شبکه های مهم خارجی و دنبال از خروج از انزوای طلبی؛
ارتباط مستقیم با مخاطبان و تصمیم گیران و نامه نگاری و اطلاع رسانی از روند مذاکرات هسته ای به مقامات ارشد دیپلماتیک در سراسر جهان ، اعلام مستقیم مواضع دولت ایران و افزایش آگاهی افکار عمومی؛	دیپلماسی شبکه های اجتماعی با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
تشکیل ائتلاف فکر و کارگروه های هم اندیشی (رک، میررکتی بنادکی، ۱۳۹۹: ۵۹).	سخنرانی های مقامات ایرانی و محورهای آن (مخالف بودن سلاح هسته ای با مبانی دینی و منافع ملی، شفاف سازی، اعتماد سازی برطرف کردن نگرانی ها، مذاکره بر اساس منافع مشترک و احترام متقابل) (رک، فقیه لوی، ۱۳۹۹: ۹۴-۹۵).



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی: ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

۵-۴- راهبرد ایران در منطقه و سطح بین المللی

ایران با اتکا به استدلال های موافق و مخالف در بین طرفداران رویکرد استراتژیک به خوبی قابل درک است که حتی در سطح نظری نیز نه تنها برنامه و مذاکرات هسته ای ایران و $1 + 5$ ، بلکه برجام به عنوان نتیجه و برآیند آن ها دارای آثار و پیامدهای قابل توجهی بر جایگاه منطقه ای ایران بوده است. در واقع، مذاکرات منتهی به برجام در دولت یازدهم در حوزه های زیر بر تقویت جایگاه منطقه ای جمهوری اسلامی تأثیر گذار بوده است:

شکل ۲: راهبرد ایران در منطقه و سطح بین المللی

افزایش مشارکت ایران در نظم ژئوپلیتیک منطقه	افزایش منزلت بین المللی پس از برجام
تغییر منطق موازنه به نفع ایران	تقویت محور مقاومت
جایگزین دیپلماسی به جای تهدید	تغییر شکاف ها بین بازیگران منطقه به نفع ایران
کاهش فشارها و تحریم های بین المللی و افزایش توان ایران	غیرامنیتی شدن فضا و تقویت چند جانبه گرایی

منبع: (ر.ک . فیروزی، ۱۳۹۷: ۶۶-۶۴).

در هر صورت با توجه به اینکه بر جام تاثیرش بر ارتقای جایگاه راهبردی ایران انکار ناپذیر بوده است و باعث قدرت نمایی و نفوذ هر چه بیشتر ایران در منطقه شده است، سیاست گذاران اسرائیل و آمریکا در صدد تاثیر گذاری منفی در نتیجه اجرای برجام و فروپاشی آن خصوصا از طریق تشدید تحریم های مالی و بانکی، جلوگیری از سرمایه گذاری در ایران و محدود کردن قدرت و نفوذ منطقه ای ایران بوده اند. (خلیلی، بابایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰). از طرفی دیگر روابط پیچیده کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران و فراز و فرودهای این روابط چه مثبت (تقویت مناسبات اقتصادی) و چه منفی (تنش با این کشورها و بروز مسائل و عوامل منطقه ای صلح اعراب و اسرائیل، سیاست های نفتی و اوپک، حمله رژیم صهیونیستی به غزه، بحران بحرین و وقایع سوریه، مسائل برجام و خریدهای تسلیحاتی کشورهای منطقه، متحدان آمریکا و.... بوده و واگرایی و بروز تنش هایی بر روابط آنها را فراهم آورده است (شاملو، ۱۴۰۰: ۱۲).

۵-۵- تحول سیاست های اقتصادی

سیاست اقتصادی تعامل گرای نئولیبرال دولت روحانی در فاصله سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ حاصل گسست و انقطاع گفتمانی دولت عدالت خواه یا همان دولت مهر بود. این گفتمان، هستی خود را در مقابل «دگری» چون دولت عدالت خواه تعریف و از نشانه های دولت مهر ساخت زدایی و به روایتی آشنایی زدایی کرده است. دولت روحانی تلاش داشت تا به رهگیری از خرده گفتمان های سیاست خارجی، زمینه را برای استیلاء و هژمونی گفتمان اقتصادی تعامل گرای نئولیبرال فراهم و سازماندهی کند؛ چراکه باور روحانی آن بود که اقتصاد تعامل گرای نئولیبرال از مسیر راهبرد تعامل گرا و سازنده گرایی عبور می کند. خرده گفتمان های سیاست خارجی مرتبط با گفتمان تعامل گرای

نئولیبرال در قالب دال‌های شناور زیر قابل مفصل‌بندی است:

(الف) اعتلای منزلت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران کاهش و یا رفع تهدیدات، تأمین امنیت ملی، گشودن بازارهای بسته و نیمه‌بسته و جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛

(ب) تثبیت دستاوردهای حاصل در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و بسط ظرفیت‌های لازم جهت نقش‌آفرینی و افزایش دستاوردها؛

(ج) تغییر رابطه ایران با نظام بین‌المللی و تلاش دستگاه دیپلماسی برای کاهش ابهامات به‌ویژه در موضوع هسته‌ای که می‌تواند موجب کاهش فشارها و هزینه‌های سیاسی - اقتصادی سنگین برای کشور شود؛

(د) تلاش برای کاهش تنش با کشورهای همسایه و افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای از طریق اتخاذ یک سیاست خارجی تعاملی؛

(ه) بهره‌گیری مناسب و به‌موقع از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف شامل حفظ و دفاع از امنیت ملی اعتبار و اقتدار ملی، استحکام داخلی، توسعه سیاسی و بسط مشارکت ملی؛

(و) الهام‌بخشی الگووار؛

(ز) اتخاذ سیاست سلطه‌گریزی؛

(ح) ارتقاء شئون و آرمان‌های جامعه اسلامی ایرانی در حوزه بین‌الملل؛

(ط) طراحی امنیت ملی محور و منافع ملی بنیان در عرصه سیاست خارجی؛

(ی) محور قراردادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی؛

(ک) مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت محور جهانی؛

(ل) سیاست خارجی تعامل جویانه و مبتنی بر همکاری متقابل (درویش رضایی، ترابی، ۱۴۰۱: ۲۲۷-۲۲۶).

۵-۵-۱- بزارها و مکانیسم‌های اقتصادی دولت روحانی

تکیه‌گاه دیگر گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال دولت روحانی، تنظیم اسناد بالادستی و به‌خصوص چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ بوده است. اما روحانی

علاوه بر بسند بالادستی به عنوان نقشه راه گفتمان اقتصادی، همگرایی با غرب به ویژه رابطه با واشنگتن از رهگذر ظرفیت های تیم سیاست خارجه که از منظر گفتمانی به حلقه نیویورک نزدیک بوده است، را به عنوان نقش راه دیگر انتخاب کرد. در واقع اتکاء به اسناد بالادستی و برجام، به صورت موازی در دستور کار گفتمان اقتصادی دولت روحانی قرار داشته است، اما در این ارتباط برجام را باید دال مرکزی گفتمان اقتصادی تعامل گرای نئولیبرال دولت روحانی دانست (هرسنی، ۱۳۹۹: ۱۰). اتخاذ و اجرایی سازی الگوی متقاعدسازی از طریق دو گزینه ترغیب و اغوا سبب پذیرش ایران برای مذاکره و شکل گیری برجام شد. در واقع توافق جامع بر سر برنامه هسته ای ایران و به دنبال تفاهم هسته ای لوزان در سه شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ چین، فرانسه، روسیه بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به علاوه آلمان را باید حاصل آمادگی ایران از رهگذر الگوی متقاعدسازی ایالات متحده آمریکا و باراک اوباما در قبال ایران در شکل گیری برجام دانست. به این ترتیب، مذاکرات رسمی برای طرح جامع اقدام مشترک درباره برنامه اتمی ایران با پذیرفتن توافق موقت ژنو بر روی برنامه هسته ای ایران در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد و به مدت ۲۰ ماه کشورها درگیر مذاکره بودند که در آوریل ۲۰۱۵ تفاهم هسته ای لوزان شکل گرفت.

۵-۵-۲- رتقاء ظرفیت های گفتمان اقتصادی دولت با محوریت برجام

شکل گیری گفتمان برجام موجب آزاد شدن پول های بلوکه شده در غرب و عقد مناسبات تجاری با اروپا گردید و هیچ کشوری تمایل نداشت فرصت روابط تجاری با ایران را از دست دهد و در انتهای لیست شرکای تجاری با ایران قرار گیرد. مهم ترین نتیجه گفتمان اقتصادی تعامل گرای نئولیبرال دولت روحانی، نگاه متفاوت به موضوع هسته ای در قیاس با رادیکالیسم دولت نهم و دهم بود. نتایج اقتصادی حاصل از برجام دولت روحانی را می توان در قالب خرده گفتمان های زیر مفصل بندی کرد:

۱. خروج از بند هفتم شورای امنیت،
۲. فروپاشی نظام تحریم و عقد مناسبات تجاری اروپا و ایران، ازمیان رفتن خطر جنگ ایران و غرب،
۴. کاهش حجم تنش ها با واشنگتن و اروپا،
۵. ارتقاء ۶۰ درصدی سطح همکاری های تجاری ایران و اروپا،

۶. تحویل ۱۲ هواپیمای ایرباس و ای. تی. آر اروپا به ایران،

۷. امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با شرکت توتال فرانسه،

۸. اجرای قرارداد پژوی فرانسه با ایران،

۹. قرارداد تأمین مالی در قالب فاینانس به ارزش ۶/۵ میلیارد یورو میان ایران و بانک‌های اروپایی،

۱۰. قراردادهای متنوع ایران با غرب در حوزه‌های خودرو (پژو و رنوی فرانسه)،
هواپی (ایرباس)، نفت و گاز (شل و توتال) حمل‌ونقل ریلی (ایتالیا و زیمنس)،

۱۱. سه برابر شدن صادرات ایران به اروپا بعد از برجام (مرکز مطالعات کمیسیون
اقتصادی مجلس، ۱۳۹۵).

۵-۵-۳- اتخاذ گفتمان اقتصاد مقاومتی در پی خروج ترامپ از برجام

آمریکا با خارج شدن از برجام و تحریم ایران با همکاری دیگر کشورها تا حدودی توانست که صادرات نفت ایران را خصوصاً در سال ۲۰۱۸ یعنی سال خروج آمریکا از برجام، به ۱/۸ میلیون بشکه و سپس در سال ۲۰۲۰ به ۵۰۰ هزار بشکه در روز برساند. در این بین برخی از کشورها همچون چین، هند، کره جنوبی و... از وزارت خزانه‌داری آمریکا اجازه گرفتند که ورود نفت خام از ایران را به تدریج کاهش دهند. با خروج آمریکا از برجام، به نظر می‌رسید امنیت انرژی جهانی تهدید شده و قیمت نفت افزایش یابد، اما با تبدیل ایالات متحده به بزرگ‌ترین صادرکننده، افزایش تولید عربستان سعودی و آغاز بحران کرونا، ۶۹ دلار در ۲۰۱۸ به ۶۴ دلار در ۲۰۱۹ و ۴۱ دلار در ۲۰۲۰ سقوط کرد. این وضعیت در کنار شیوع کووید ۱۹ در سراسر جهان، به شدت روی درآمدهای نفتی ایران اثر گذاشت و موجب شد تا دولت با کسری بودجه شدیدی روبه‌رو شود. این عوامل ایران را بر آن داشت که اقتصاد مقاومتی، توسعه اقتصادی درون‌زای برون‌گرا، عدم وابستگی به اقتصاد تک محصولی و افزایش صادرات غیر نفتی را راهبرد اصلی خود قرار دهد. برای مثال در این راهبرد، ایران تلاش کرده است با وجود و حضور در لیست سیاه و تحریم‌های مالی گروه ویژه اقدام مالی در سال ۲۰۲۰، صادرات غیرنفتی خود را افزایش دهد و صادرات غیرنفتی خود را با وجود تحریم مالی به بیش از ۳۰ میلیارد دلار برساند (نقش بندی، دهشیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۸).

۶-۵- تحول در سیاست‌های اجتماعی

رویکرد دولت یازدهم و دوازدهم تحقق توسعه اجتماعی بود. منظور از رویکرد مبتنی بر توسعه اجتماعی آن است که در برنامه های دولت، اهداف متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به صورت یکپارچه در نظر گرفته می شوند و فرآیند توسعه در ارتباط با ارزش های اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی برنامه ریزی و اجرا گردد. از طرف دیگر سعی می شود تا حد اکثر مشارکت مردم در طرح های توسعه تضمین شود. از شاخص های توسعه اجتماعی به طور کلی می توان به موارد اشاره شده در جدول زیر اشاره نمود:

جدول ۱: شاخص های توسعه اجتماعی

تأمین رفاه افراد، دسترسی بدون تبعیض به خدمات اجتماعی	افزایش مشارکت هر چه بیشتر مردم تقویت مسئولیت پذیری اجتماعی	ضرورت بازنگری در ساختارها و فرایندهای نظام آموزشی و سلامت کشور
افزایش انسجام اجتماعی، تقویت اعتماد و سرمایه های اجتماعی	فراهم کردن فضای اجتماعی برای بروز خلاقیت و استعدادها	ارتقای کیفیت حکمرانی و اصلاح عملکرد دولت، شفاف سازی دولت ها
پاسخگو بودن مسئولین و کارگزاران در برابر مردم	تقویت سازمان های مردم نهاد، کاهش آسیب های اجتماعی	افزایش مشارکت زنان، به رسمیت شناختن تکثر قومی، زبانی، دینی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی

در هر صورت در مورد عملکرد دولت یازدهم و خصوصا دوازدهم می توان اینگونه بیان نمود که برنامه های اجتماعی در این دوره مشتمل بر حمایت اتخاذ سیاست های برابری جنسی، آسیب های اجتماعی، بهداشت و درمان، توانمندسازی زنان و حمایت اجتماعی بود که در ادامه به آن پرداخته می شود.

۵-۶-۱- اتخاذ سیاست های برابری جنسی و سند چشم انداز ۲۰ ساله

از دستاورد مهم جامعه بین المللی که سازمان بین المللی باید همه دولت ها را در پذیرش آن تشویق کند، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است که در جهت احیای مقام و موقعیت زن و رفع بی عدالتی و نقش فعال آنان می باشد. در برنامه چهارم توسعه، برای اولین بار مبحث جنسیت و اختصاص امتیازات ویژه به زنان مطرح و دولت موظف شد با هدف تقویت نقش زنان در جامعه، توسعه فرصت ها و گسترش سطح مشارکت آنها را در کشور در دستور کار قرار دهد. در این بین ایران به نظر می رسد با توجه به اختلاف هایی که در مقررات هر دو مثلا در خصوص نکاح و حقوق خانوادگی، حق ارث، صدور

گذرنامه، شهادت، قصاص و دیه وجود دارد، با دوگانگی مواجه است و تاکنون به این کنوانسیون نپیوسته و فعلاً بحث تصویب و الحاق به آن مطرح می‌باشد. اگر دولت ایران، کنوانسیون را بدون قید و شرط و نسبت به تغییر رفتار و اصلاح و نسخ قوانین خود در انطباق با مقررات کنوانسیون اقدام کند، گام مثبتی در پرونده همکاری ایران با سازمان ملل در زمینه حقوق بشر به حساب می‌آید. از طرف دیگر اگر هم با حق شرط بدان ملحق شود با توجه به منافع ملی خود با اعتراض دولتهای دیگر مواجه می‌شود؛ اما ایران می‌تواند با استفاده از ماده ۱۹ معاهده ۱۹۶۹ که اعلام می‌دارد کشورها می‌توانند از حق شرط استفاده کنند، از حق شرطی که مخالف با ذات کنوانسیون نباشد به کنوانسیون ملحق شود. از سوی دیگر هر چند که به اعتقاد کشورهای مسلمان این کنوانسیون مغایر با شرع می‌باشد و در خصوص تابعیت نکاح و تساوی در برابر قانون شرط وارد نموده‌اند با این حال همین عدم الحاق به کنوانسیون خود تبعیض علیه زنان محسوب می‌شود و می‌تواند مبنای تبعیض خشونت نادیده گرفتن حقوق عدم تساوی نظام مردسالاری و برتر نشان دادن جنس مرد باشد (حکیم زاده خوئی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹).

۵-۶-۱- سند چشم‌انداز بیست‌ساله آینده کشور و جایگاه خانواده و زنان

دولت ایران طبق ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موظف است با هدف تقویت جایگاه زنان اقدامات و اهدافی شامل (شناسایی مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال، تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم خانواده جهت تصویب در مراجع ذیصلاح، تمهیدات قانونی به منظور رفع خشونت علیه زنان حمایت از تشکلهای زنان و سازمان‌های مردم‌نهاد در مجلس شورای اسلامی که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله مطرح شده است را اجرا و عملی کند (الله وردی زاده، ۱۳۹۱: ۱۶). در کنار این سیاست‌های اجتماعی می‌توان به چهار مورد دیگر در جدول زیر اشاره نمود:



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم‌نویین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۳۹۲-۱۴۰۰)

مقابله و مدیریت آسیب های اجتماعی	برنامه بهداشت و درمان	سیاست های نوین ارتباطی و رسانه ای	حمایت های اجتماعی
تقویت سازمان های مردم نهاد فعال در زمینه آسیب ها و مشکلات اجتماعی	اجرای برنامه پزشک خانواده	حفظ هویت ایرانی - اسلامی	پایدارسازی صندوق های یازشستگی
آموزش مهارت های زندگی و مهارت های مقابله یا بحران ها	حذف همپوشانی های بیمه ای سازمان بیمه سلامت و...	بالا بردن سواد و ظرفیت تحلیل و مهارت های مقابله رسانه ای، انقلاب دیجیتال و پهنای یاند	تعمیق تعهدات و جامعیت بخشیدن به خدمات نظام تامین اجتماعی
شناسایی مناطق و کانون های آسیب زا	اجرای نظام ارجاع افراد نیازمند برای استفاده از خدمات یسری بیمه رایگان	دیجیتالی کردن اقتصاد و اثر بر روی عرضه و تقاضای کل (توسعه زیر ساخت عای قضای مجازی و اثر آن بر رشد اقتصادی و تولید ملی)	اصلاح مقررات بیمه ای در مورد کارگران واحدهای کوچک صنفی متناسب یا مقتضیات شغلی و درآمدی آنان
همسویی و تقویت فعالیت دستگاههای اجرایی جهت ساماندهی و توانمندسازی آسیب دیدگان اجتماعی	استقرار کامل سامانه پرونده الکترونیک سلامت و مکانیزه نمودن فرآیندهای درمانی	جذب نخبگان رسانه ای و تشکیل اتاق های فکر تقویت نگاه امید بخش و جلوگیری از یسری های زمینه ساز نا امیدی	تدوین یسه سیاستی بیمه های اجتماعی
پیشگیری اولیه از بروز آسیب های اجتماعی	ارتقای جذابیت های نظام درمانی کشور برای توسعه توریسم سلامت	آینده نگری در زمینه تهدیدات رسانه مقابله یا جرائم سایبر و تلغن همراه و قانون مند کردن آن	بررسی و ارائه راهکار به منظور برقراری عدالت در نظام پرداخت و متناسب سازی مستمری ها از طریق نظامد سازی
تقویت نقش وسایل ارتباطات جمعی	کنترل هزینه های خانمان سوز از طریق ثبت داروهای پر هزینه	جلوگیری از شکاف های قومی و مذهبی	یکسان سازی شرایط یازشستگی در صندوق های یازشستگی
تقویت و گسترش مراکز مداخله در بحران های فردی، خانوادگی و اجتماعی (اورژانس اجتماعی)	انجام آزمون های وسیع و حذف افراد غیر نیازمند از پوشش بیمه سلامت رایگان	داشتن چشم انداز و ظرفیت های اجرایی و فکری و هوشمندی مخیطی منبع: (ر.ک. قاسمی، بای، مطلبی، ۱۳۹۹: ۸).	اصلاح و تقویت روش های وصول حق بیمه و تداوم تامین منابع مالی از سازمان های بیمه گر



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

منبع: (https://discuss.tp4.ir).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی علوم انسانی

۶-۶. تحول در سیاست های فرهنگی

ارتقای رویکرد نهادهای فرهنگی از فعالیت محوری به اثر بخشی	حمایت از خلاقیت های فرهنگی و تقویت اقتصاد هنر	مردمی کردن فرهنگ و هنر و تمرکز زدایی فرهنگی
یاز تعریف جایگاه و رسالت بخش فرهنگ و ارتباطات	سیاست همبستگی و تنوع فرهنگی و تقویت شکل های فرهنگی	حمایت از هنرمندان عرصه فرهنگ و ترویج کتابخوانی
بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی و هنری اقوام	سیاست فرهنگ جهانی و جهان فرهنگی	افزایش نقش مشارکت مردم و نهادهای مدنی در فعالیت ها و تصمیم گیری های فرهنگی

منبع: (www.irna.ir).

پژوهش حاضر با هدف بررسی تحول و ایجاد توازن در روابط دولت و جامعه در کشورهای رانتیر خاورمیانه در سایه نظم نوین جهانی؛ مطالعه موردی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۲) انجام گردید. با توجه به چارچوب نظری پژوهش مبنی بر درک کردن تحول ساختاری و آمادگی برای بازی در بستر اقتصاد جهانی، درک فضای جدید ساختار نظام بین الملل، تعامل با ساختارهای قدرت جهانی، همکاری های چند جانبه کشورها و گذر به اقتصاد پساوردیسمی؛ به نظر می رسد ایران ساختارها و اقتصاد سیاسی خود را در جهت بهره گیری از این فضا بازصورت بندی کرده تا بتواند تهدید کاهش اهمیت و قیمت نفت را به فرصت تبدیل کند. به عبارت دیگر ایران در مواجهه با کاهش تدریجی جایگاه نفت در منظومه قدرت و ثروت جهانی (شکل گیری مدارهای جدید ثروت در اقتصاد جهانی در پرتو شاخه های نوین تکنولوژی و کاهش تدریجی تقاضا برای نفت در اقتصاد جهانی، شوک های نفتی، شکل گیری پارادوکس رشد انتظارات عمومی و کاهش توان دولت در دولت های نفت خیر، بحران تضعیف موقعیت کشورهای عضو اوپک) با درک الزامات کنش در این فضای نوین جهانی به سمت تغییر رویه و بازصورت بندی دولت به مدلی پسرانته به طور عام و دگردیسی رابطه دولت و جامعه در این کشور به طور خاص پیش رفته و در نهایت به سمت تغییرات و نوآوری ها و سیاستگذاری های نوینی در مواجهه با نظم اقتصادی سیاسی نوین جهانی چون (احیای جایگاه جهانی و انزوا ستیزی با محوریت برجام و تحول ابزارهای دیپلماسی عمومی و راهبرد های منطقه ای و بین الملل، دیپلماسی فرهنگی، تقویت چند جانبه گرایی، دیپلماسی شبکه های اجتماعی با گسترش فناوری اطلاعات و..) تحول سیاست های اقتصادی (اقتصاد تعامل گرای نئولیبرال و اعتلای منزلت منطقه ای و بین المللی ایران، کاهش و رفع تهدیدات و تحریم ها، محوریت توسعه ملی در روابط خارجی، ارتقاء ظرفیت های گفتمان اقتصادی دولت با محوریت برجام، اتخاذ گفتمان اقتصاد مقاومتی)؛ تحول سیاست های اجتماعی و فرهنگی (حمایت اتخاذ سیاست های برابری جنسی، آسیب های اجتماعی، بهداشت و درمان، توانمندسازی زنان و حمایت اجتماعی اتخاذ سیاست های برابری جنسی و سند چشم انداز ۲۰ ساله جایگاه خانواده و زنان و..)؛ سیاست های نوین ارتباطی و رسانه ای (الگوهای مطلوب سیاستگذاری رسانه ای در مواجهه با جنگ رسانه ای کشورهای چون آمریکا در سیاست خارجی، انقلاب دیجیتالی و پهنای باند، آینده نگری در زمینه تهدیدات رسانه ای، جذب نخبگان رسانه ای و تشکیل اتاق های فکر، تقویت نگاه های امید بخش، حفظ هویت ایرانی- اسلامی و..) در دوره زمانی مورد نظر روی آورده است. مروری بر تحولات شکل گرفته در دولت های یازدهم و دوازدهم مقارن با سال های ۱۳۹۲-۱۴۰۰ نشان می دهد که دستاوردهای قابل توجهی در حوزه های مختلف داشته

است. بحران های بی سابقه ای به وجود آمد که در اختیار دولت نبود، مانند سیل های بهار ۹۸، چندین زلزله مخرب، شیوع ویروس کرونا، چند حمله تروریستی و نهایتاً بروز مشکلات اقتصادی ناشی از خروج آمریکا از برجام. بی تردید برجام و دستیابی توافق مشترک با ۵+۱ مهمترین دستاورد دولت روحانی است؛ دستاوردی که حتی منتقدان و رقبای او در جریان انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم و در مناظرات انتخاباتی بر آن اذعان داشتند و گفته شده دولت ابراهیم رئیسی هم در پی رسیدن به توافقی برای حفظ آن است. برجام آثار فراوانی به ویژه در حوزه اقتصادی برای کشور داشت و همان موجب شد شاهد کاهش تورم و گشایش های اقتصادی چشمگیری باشیم. از همه مهمتر شاهد لغو قطعنامه های تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد بودیم که سال های بر کشورمان سایه انداخته بود. در نگاهی فراتر از حوزه سیاست خارجی، برجام به عنوان عاملی برای مقابله با روندهای ایران هراسی در منطقه و جهان شناخته شد. صنعت نفت نیز در هشت سال مورد بررسی، فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده است. از افزایش تولید در میدان های مشترک نفت و گاز گرفته تا صادرات بنزین در این سال ها محقق شده، با این حال اتفاق هایی مانند تحریم ها علیه ایران و آغاز جنگ اقتصادی بر آنها سایه انداخت. هرچند نمی توان از دستاوردها در پارس جنوبی، گازرسانی روستایی، صادرات بنزین، جهش های پرشمار صنعت پتروشیمی، پیوند با دانشگاه ها، اکتشاف های جدید و ... در این هشت سال نگفت؛ به همان اندازه هم نمی توان چشم بر بحران های صنعت نفت و بیژن زنگنه در این هشت سال بست. یکی از بزرگ ترین دستاوردهای دولت یازدهم و دوازدهم را باید توسعه پارس جنوبی دانست. توسعه میدان های نفت و گاز با اولویت میدان های مشترک همواره یکی از مهم ترین اولویت های وزارت نفت دولت تدبیر و امید بوده و در این مسیر موفقیت های بزرگی به دست آورده است. با افزایش تولید گاز، ایران در جمع سه تولیدکننده بزرگ گاز جهان قرار گرفت. ایران هم اکنون و با سهم ۶.۱ درصدی پس از آمریکا و روسیه در جمع بزرگ ترین کشورهای تولیدکننده گاز قرار گرفته است. دولت یازدهم و دوازدهم از ابتدای روی کار آمدن، برنامه منسجمی برای توسعه زیرساخت های ارتباطی و بالا بردن ضریب نفوذ اینترنت در اقصی نقاط کشور دنبال کرد. رشد ارتباطات و توسعه فضای مجازی از برنامه های مهم دولت های یازدهم و دوازدهم در راستای توسعه کشور بوده و با وجود فشار و موانع زیاد برای تحقق این امر، دولت توانست دستاوردهای مهمی در این زمینه داشته باشد. در این مدت پهنای باند، سرعت اینترنت و دسترسی به آن افزایش پیدا کرد که قابل مقایسه با سال های قبل از آن نیست. همچنین روند توسعه اینترنت، نسل های جدید و دسترسی به گوشی های هوشمند باعث شد تا تکنولوژی های نوین ارتباطی هر چه بیشتر در جامعه فراگیر شود. دولت روحانی در عرصه های مختلف در این هشت سال تلاش کردند که شفافیت را در کشور حاکم کنند (آمار کرونا، حضور

دولت در رسانه ها و گزارش، تشریح جزئیات و روند مذاکرات وین و حواشی مربوط به برجام در قالب کتابی از سوی محمدجواد ظریف، راه‌اندازی سامانه جامع تجارت). همچنین همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، افزایش ضریب پوشش بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی، توسعه روابط با چین و روسیه، طرح دعوا در دادگاه‌های بین‌المللی علیه آمریکا، ساخت انواع موشک‌ها و ارتقاء قابلیت آنها، کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، توزیع سود سهام عدالت، افزایش ۹۵ درصدی شرکت‌های دانش بنیان، افزایش نسبت مدارس ایمن به کل مدارس، تهیه منشور حقوق شهروندی و ... بخش دیگری از این اقدامات و دستاوردهای دولت در طول سال‌های ۱۳۹۲-۱۴۰۰ بوده است.



منابع

کتابنامه

الله وردی زاده، حمید (۱۳۹۱). بررسی تطبیق حقوق زن در حقوق جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها. همایش ملی حقوق بین الملل در آئینه علوم روز، ۲۱-۱.

ابطحی، سید مصطفی و حیدری، نصراله (۱۳۹۲). بررسی رابطه نفت و توسعه نیافتگی سیاسی در ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۵ (۳).

امینی، علی رضا (۱۹۹۱). سیاست بازگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران. استانبول، دانشگاه استانبول، چاپ اول.

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷). تهران: انتشارات سمت.

ثانی جوشقانی، معصومه (۱۳۸۹). رهیافت اقتصاد سیاسی بین الملل و جایگاه انرژی در مناسبات ایران و ایالات متحده. مطالعات خاورمیانه، ۶۱.

جمالی، لیلا، موسوی، سید نعمت الله؛ امینی فرد، عباس (۱۳۹۸). تحلیل حساسیت درآمدهای صادراتی نفت ایران به بیانیه های سازمان کشورهای صادرکننده نفت (۲۰۱۹-۱۹۸۹)، پژوهش نامه اقتصاد انرژی ایران، ۸ (۳۲).

حکیم زاده خوئی، پیمان، رجب زاده، آرام، و ستوده، شهلا (۱۴۰۰). اعتلای جایگاه حقوق بشری زنان با تأکید بر نظام حقوقی ایران. فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، (۲).

حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۶). دولت رانتیر یک بررسی مفهومی. اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۱۲ (۱۲۵).

حمیدی، همایون و سرفرازی، مهرزاد (۱۳۹۰). جهانی شدن و مدیریت منابع انسانی. نشریه مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۲ (۲).

خلیلی، رضا و بابایی، محمد و لطفی حاج آباد، کاظم (۱۳۹۸). تأثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین الملل. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۲ (۸۴).

درویش، صفی الله، رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان اقتصادی دولت روحانی: از اقتصاد نئولیبرال تا اقتصاد مقاومتی. سیاست متعالیه، ۱۰ (۳۷)..



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۳۹۲-۱۴۰۰)

دلفروز، تقی (۱۳۹۸). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا. ناشر: آگاه.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد. جلد سوم، تهران، نشر: انتشار

رضانی پیانی، فاطمه (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه دولت رانتیر با جامعه مدنی در ایران ۱۳۰۴-۱۳۹۲. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.

رضایی، علیرضا، ترابی، قاسم (۱۳۹۲). سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره پانزدهم.

زیبایی، مختار (۱۴۰۰). تنزل جایگاه نفت در اقتصاد سیاسی جهانی و برآیند آن بر رابطه دولت و جامعه در کشورهای نفت خیز خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه رازی.

شالیاف، محسن (۱۳۹۵). تغییر اهمیت راهبردی منابع نفتی و پیامدهای آن از نظر سیاست‌گذاری. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲۱ (۶).

شاملو، رضا (۱۴۰۰). معرفی عوامل ژئوپلیتیک طبیعی موثر بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس. فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، ۱۹ (۷۳).

سگری، محسن (۱۳۸۹). تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، (۲).

عیوضی، محمد، نوازی، علی (۱۳۹۳). «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و روحانی در مواجهه با سازمان ملل». مطالعات استراتژیک، (۱۲) ۵۸، ۷۴-۳۹.

عباسی، فرهاد (۱۳۹۳). تبیین توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات افکار عمومی، ۲۹ (۲).

فقیه لو، لیلا (۱۳۹۸). دیپلماسی عمومی نوین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در قبال برجام. مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی، ۷۹-۱۰۴.

فرهاد، خدرویس (۱۴۰۰). رابطه بین درآمدهای مالیاتی و میزان استقلال جامعه در مقابل دولت (با تاکید بر دوره پهلوی دوم و ج.ا.ایران). مجله بین‌المللی پژوهش ملل، ۶(۶۴).

فیروزی، احمد (۱۳۹۷). سیاست خارجی دولت یازدهم با تاکید بر روابط منطقه ای (خاورمیانه). پایان نامه ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان.

قاسمی، سعید، بای، عبدالرضا، و مطلبی، مسعود (۱۳۹۹). الگوی مطلوب سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ رسانه‌ای آمریکا. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۴).

قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۴). مبانی سیاست خارجی تطبیقی: بررسی سه الگوی ایران، ترکیه و چین. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

میرترابی، سعید (۱۳۸۷). مسائل نفت ایران. تهران، قومس، چاپ سوم.

میرزایی، ساناز (۱۳۹۵). بررسی رابطه دولت و طبقات اجتماعی براساس نظریه دولت رانتیر. چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی ۴۹ مهر.

میرالی، حبیب، نوید نیا، فرزاد (۱۴۰۰). بررسی سیاست و عملکرد دولت روحانی با تاکید بر بحث برجام. پژوهشهای سیاسی و بین‌المللی، ۱۳(۵۰).

میررکنی بنادکی (۱۳۹۹). دیپلماسی فرهنگی ایران در فضای چند فرهنگی اوراسیای مرکزی در دوره روحانی؛ ویژگی‌ها و بایسته‌ها. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.

محمود خانی، زهرا، کشیشیان، گارینه (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ی گفتمان سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه. فصلنامه سیاست خارجی، ۲(۳۰)، ۳۵-۷.

محمودی کیا، محمد (۱۳۹۷). منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳.

مرکز مطالعات کمیسیون اقتصادی مجلس (۱۳۹۵). نتایج برنامه‌های توسعه اقتصادی نئولیبرالی دولت یازدهم. تهران: کارگروه اقتصادی مرکز مطالعات

اقتصادی مجلس شورای اسلامی

^۲ نقشبندی، علی (۱۳۹۹). پیامدهای سیاسی و اقتصادی خروج آمریکا از برجام برای ایران در دوره ترامپ و آغاز دوره بایدن. مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۳).

هرسنی، صلاح‌الدین (۱۳۹۹). شیفیت گفتمانی اقتصاد نئولیبرالی به اقتصاد مقاومتی دولت روحانی. تهران: روزنامه جهان صنعتی

هرسنی، صلاح‌الدین (۱۳۹۵). گفتمان سیاسی دولت روحانی. اندیشه پویا.

سایت‌ها

خط مشی دولت یازدهم و دوازدهم (۱۳۹۶). برگرفته شده از <https://discuss.tp4.ir>.

. مقالات انگلیسی

Frieden, J. & Lake, D. (2000). International Political Economy: Perspectives on Global Power and Wealth. London

Ross, M, Kaise, K, Mazaheri, N (2011) The 'resource curse' in MENA? Political transitions, resource wealth, economic shocks, and conflict risk. World Bank Policy Research 5742. Washington, DC: World Bank.



سال دوم، شماره ۲،
پیاپی، ۵، بهار و
تابستان ۱۴۰۲
تحول و ایجاد
توازن در روابط
دولت و جامعه در
کشورهای رانتیر
خاورمیانه در سایه
نظم نوین جهانی؛
مطالعه موردی ایران
(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی